



Imam Sadiq Research Institute

for Islamic Sciences

Research Institute for Political  
and Defence Studies

P. ISSN: 2845-5705 &amp; E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Autumn 2025 &amp; Winter 2026



## The moral imperatives of the first narrative in political governance: the war of narratives with an emphasis on the intellectual system of the Supreme Leader of the Revolution.

Hossein Hajipour\*, Mohammad Mirzaei\*\*, Fatemeh Dastvar\*\*\*

Doi: 10.22034/ipr.2026.573140.2362

Receipt: 2026/01/01 - Revised: 2026/1/16- Accepted: 2025/02/21

(101-130)

### Abstract

The expansion of social networks and media transformations have turned contemporary politics into a field of narrative warfare — an arena in which narratives play a decisive role in shaping public opinion, social trust, and political legitimacy. In this context, the first narrative—as the initial official engagement of the political system with sensitive events—holds a distinguished position and, due to its temporal and perceptual precedence, bears the greatest ethical responsibility. The main issue of this research is to explain the ethical requirements of the first narrative within the framework of political governance during the war of narratives, emphasizing the statements of Ayatollah Khamenei. The research method is descriptive–analytical, based on documentary study and conceptual analysis of His Excellency’s statements and related academic works. The findings of the study indicate that the first narrative is an ethical–governance act founded on five ethical imperatives: active honesty, conscious caution, responsible courage, preservation of public trust, and continuous accountability. These ethical requirements elevate the first narrative beyond the mere logic of propaganda and transform it into a trust-building, correctable, and legitimacy-generating process in Islamic governance.

**Keywords:** ethical requirements, first narrative, political governance, war of narratives, Ayatollah Khamenei’s statements.

\*. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Yadgar Imam Khomeini (RA) Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [Hosseinhajipour@iau.ir](mailto:Hosseinhajipour@iau.ir).

\*\* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Yadgar Imam Khomeini (RA) Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. [Mmirzaei180@iau.ir](mailto:Mmirzaei180@iau.ir).

\*\*\*. Researcher in Education, Qom, Iran; B.A. in Islamic Studies and Ethics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. [fatemehdastvar@chmail.ir](mailto:fatemehdastvar@chmail.ir).





پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق  
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی  
P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720  
نشانی پانگه نشریه: <http://ipr.isri.ac.ir>  
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

## الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها با تأکید بر نظام فکری رهبر معظم انقلاب

حسین حاجی‌پور\*، محمد میرزایی\*\*، فاطمه دستوار\*\*\*

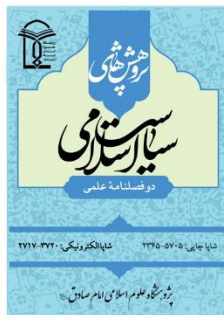
Doi: 10.22034/ipr.2026.573140.2362

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲  
(۱۰۱-۱۳۰)

### چکیده

گسترش شبکه‌های اجتماعی و تحولات رسانه‌ای، سیاست معاصر را به عرصه‌ای از جنگ روایت‌ها تبدیل کرده است؛ عرصه‌ای که در آن، روایت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به افکار عمومی، اعتماد اجتماعی و مشروعیت سیاسی ایفا می‌کنند. در این میان، روایت اول به‌عنوان نخستین مواجهه رسمی نظام سیاسی با رویدادهای حساس، جایگاهی ممتاز دارد و به دلیل تقدم زمانی و ادراکی، واجد بیشترین بار مسئولیت اخلاقی است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین الزامات اخلاقی روایت اول در بستر حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها با تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسنادی و تحلیل مفهومی بیانات معظم له و آثار علمی مرتبط است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روایت اول، کنشی اخلاقی-حکمرانی است که بر پایه پنج الزام اخلاقی صدق فعالانه، احتیاط آگاهانه، شجاعت مسئولانه، صیانت از اعتماد عمومی و مسئولیت‌پذیری مستمر شکل می‌گیرد. این الزامات، روایت اول را از منطق تبلیغاتی صرف خارج کرده و آن را به فرآیندی اعتمادساز، اصلاح‌پذیر و مشروعیت‌آفرین در حکمرانی اسلامی ارتقا می‌دهند.

**واژگان کلیدی:** الزامات اخلاقی، روایت اول، حکمرانی سیاسی، جنگ روایت‌ها و بیانات رهبری.



- \*. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
[Hosseinhajipour@iau.ir](mailto:Hosseinhajipour@iau.ir)
- \*\* استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یادگار امام خمینی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
[Mmirzaei180@iau.ir](mailto:Mmirzaei180@iau.ir)
- \*\*\* پژوهشگر آموزش و پرورش، قم، ایران؛ کارشناسی معارف اسلامی و اخلاق، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران.  
[fatemehdstvar@chmail.ir](mailto:fatemehdstvar@chmail.ir)

## ۱. مقدمه

تحولات رسانه‌ای و گسترش شبکه‌های اجتماعی، عرصه سیاست را به میدان جنگ روایت‌ها تبدیل کرده است؛ میدانی که در آن، واقعیت‌ها تنها بر اساس وقوع عینی نیست، بلکه از طریق روایت‌ها در افکار عمومی معنا می‌یابند. در این فضا، حکمرانی سیاسی دیگر تنها با ابزارهای سخت یا تصمیمات اداری اعمال نمی‌شود، بلکه روایتگری به یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت و مشروعیت سیاسی بدل شده است (پیشاهنگ، ۱۴۰۳: ۲۶۷-۲۹۸). قربانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱-۴۳). جنگ روایت‌ها، رقابتی مستمر برای تعریف، تفسیر و چارچوب‌بندی رویدادهاست که پیامدهای عمیق اجتماعی، امنیتی و اخلاقی به همراه دارد.

در میان روایت‌های مختلف، روایت اول جایگاهی ممتاز و تعیین‌کننده دارد؛ زیرا نخستین مواجهه رسمی یا نیمه‌رسمی نظام سیاسی با یک رویداد حساس محسوب می‌شود (پیشاهنگ، ۱۴۰۲: ۳۴)؛ این روایت، چارچوب اولیه فهم مخاطبان را شکل داده و مسیر پذیرش یا رد روایت‌های بعدی را هموار می‌سازد. از این رو، روایت اول نه تنها یک اقدام رسانه‌ای، بلکه کنشی بنیادین در حکمرانی سیاسی است که می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت یا تضعیف کند. اهمیت این روایت، مسئولیت اخلاقی حاکمیت را در نحوه تولید و انتشار آن دوچندان می‌سازد. همچنین روایت اول معمولاً در شرایط بحران، فشار زمانی، ابهام اطلاعاتی و تهدید روایت‌های رقیب شکل می‌گیرد. این وضعیت، حکمرانی سیاسی را با تعارض جدی میان سرعت در اطلاع‌رسانی و پایبندی به صداقت و به تعبیری تعارض دقت با انصاف مواجه می‌سازد (پیشاهنگ، ۱۴۰۲: ۳۸-۴۰). شتاب‌زدگی در روایتگری می‌تواند به تحریف واقعیت یا ارائه اطلاعات نادرست منجر شود و در مقابل، تأخیر بیش‌ازحد نیز میدان را برای روایت‌سازی رقیب فراهم می‌کند. این تعارض، ماهیتی اخلاقی دارد و نیازمند تبیین نظری است.

از منظر اخلاق سیاسی، روایت اول با حقوق بنیادین مردم، به ویژه حق آگاهی، حق اعتماد و کرامت انسانی ارتباط مستقیم دارد. هرگونه دروغ، پنهان‌کاری فریبنده یا

قطعیت‌نمایی نادرست در روایت اول، می‌تواند سرمایه اجتماعی نظام سیاسی را دچار فرسایش بلندمدت کند. از این رو، پرسش اصلی این است که چگونه حکمرانی سیاسی برای مدیریت بحران یا غلبه روایی، از الزامات اخلاقی متعارض استفاده کند. پاسخ به این پرسش، مستلزم بازخوانی نسبت اخلاق و قدرت در عرصه روایتگری است.

در اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی، مسئله روایتگری و تبیین، جایگاهی محوری دارد. ایشان در تبیین وظیفه نخبگان و کنشگران سیاسی، بر ضرورت صراحت در بیان حقایق، پیش‌دستی در روایتگری و زایل کردن شبهات القاشده در افکار عمومی تأکید کرده و جهاد تبیین را یک تکلیف مستمر و راهبردی دانسته‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۶/۱۱/۱۴۰۲). تأکید مکرر ایشان بر مفاهیمی همچون تبیین و جهاد تبیین و درعین حال، تصریح به حرمت دروغ، تهمت و فریب در مواجهه با افکار عمومی و لزوم التزام به صداقت، انصاف و حفظ اعتماد عمومی، نشان می‌دهد که روایتگری سیاسی از منظر ایشان امری ذاتاً مقید به اخلاق است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳/۱۰/۱۴۰۲ و ۵/۷/۱۴۰۰). همچنین در بیانات ایشان، تبیین مسائل سیاسی و اجتماعی برای مردم، مشروط به برخورداری از اطلاعات صحیح، پرهیز از تحریف و رعایت ملاحظات اخلاقی دانسته شده است؛ امری که روایتگری را به یکی از الزامات بنیادین حکمرانی مسئولانه بدل می‌سازد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۵/۵/۱۴۰۱).

هرچند پژوهشگران به موضوع جنگ روایت‌ها، جهاد تبیین، نقش رسانه در حکمرانی سیاسی و حتی اهمیت روایت اول پرداخته‌اند و همچنین در حوزه اخلاق سیاسی، آثار قابل توجهی درباره صداقت، اعتماد عمومی و مشروعیت حکمرانی وجود دارد، با این حال، این پژوهش‌ها غالباً به صورت منفک و غیرترکیبی به موضوع نگریسته‌اند و پیوند نظام‌مند میان روایت اول، حکمرانی سیاسی و الزامات اخلاقی را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. به‌ویژه خلأ پژوهشی در تبیین الزامات اخلاقی روایت اول در بستر حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها مشهود است و مطالعات توصیفی و رسانه‌محور بوده‌اند، یا اینکه به توصیه‌های کلی اخلاقی بسنده کرده‌اند. همچنین استفاده مستقیم و تحلیلی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در

این حوزه، کمتر در قالب یک چارچوب مفهومی منسجم انجام شده است، لذا ضرورت انجام پژوهشی هدفمند را برجسته می‌سازد. نوآوری این مقاله در آن است که با تمرکز بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی و با رویکرد تحلیلی-مفهومی، برای نخستین بار الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها را به صورت مستقل و نظام‌مند تبیین می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در ادبیات موجود به جنگ روایت‌ها، روایت اول و حکمرانی سیاسی پرداخته شده است، اما پیوند این سه مؤلفه در چارچوب اخلاق سیاسی مغفول مانده است؛ بنابراین پژوهش حاضر می‌کوشد خلأ پیش گفته را پر کرده و الگویی اخلاقی مبتنی بر الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها ارائه دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

مروری بر ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر، آثار متعددی به موضوع جنگ روایت‌ها، جنگ شناختی و نسبت آن با رسانه، امنیت و حکمرانی پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً بر تبیین مفهومی، کارکردی و تهدیدشناسانه جنگ روایت‌ها تمرکز داشته و آن را به عنوان یکی از عرصه‌های نوین منازعه در فضای رسانه‌ای و سیاسی تحلیل کرده‌اند، بی‌آنکه تمرکز مستقیمی بر الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی داشته باشند.

برخی آثار ناظر به مفهوم، ماهیت جنگ روایت‌ها و الزامات کنشگری رسانه‌ای بوده (لسانی، ۱۴۰۱: ۲۶۷-۲۷۶) و حتی نقشه راه نهادی برای کنش رسانه‌ای ارائه می‌دهد (پیشاهنگ، ۱۴۰۳: ۲۶۷-۲۹۸) و برخی دیگر جنگ روایت‌ها را در قالب تقابل رسانه‌ای و گفتمانی بررسی کرده‌اند (شمس‌اللهی، ۱۳۹۷: ۲۸-۲۹) همچنین در برخی دیگر نسبت جنگ روایت‌ها با حکمرانی اسلامی به صورت اجمالی و توصیفی مورد توجه قرار گرفته است (طبسی، ۱۴۰۲: ۶۵-۶۹). در مقاله دیگری جنگ روایت‌ها ذیل جنگ ترکیبی تحلیل شده است (دلاورپوراقدم، ۱۴۰۳: ۱۸-۳۴).

همچنین برخی آثار مرتبط با جهاد تبیین، جنگ شناختی و ابعاد راهبردی بوده که جنگ روایت‌ها را در پیوند با مفاهیمی چون جهاد تبیین، جنگ شناختی و جنگ ترکیبی تحلیل

کرده‌اند که در یک مقاله بر ابعاد راهبردی و اجرایی جهاد تبیین تمرکز شده است (خدابخشی و حسن‌خانی، ۱۶۷: ۱۴۰۱-۲۰۳). البته پژوهش دیگری سازوکارهای اجتماعی تحقق این فریضه را بررسی (محمدزاده بنی‌طرفی، ۱۴۰۱: ۱۱۹-۱۳۶) و پژوهش دیگری علاوه بر جهاد تبیین، بنیان‌های معرفتی جنگ شناختی را واکاوی کرده است (بابائیان و کرمی تالاندستی، ۱۴۰۲: ۱۱۹-۱۴۴) و در مقال دیگری، ابعاد تهدیدشناسانه جنگ هویتی مورد کاوش قرار گرفته است (کلانتری، ۱۳۹۶: ۸۵-۱۰۸).

برخی پژوهش‌ها بر حکمرانی سیاسی و الزامات آن تمرکز داشته‌اند و با تمرکز مستقیم بر حکمرانی سیاسی و الزامات آن در جمهوری اسلامی ایران انجام شده‌اند که اگرچه از حیث تحلیل ساختار قدرت، کارآمدی، اخلاق و چالش‌های حکمرانی واجد اهمیت‌اند، اما وارد حوزه جنگ روایت‌ها یا مسئله روایت اول نشده‌اند. برای نمونه یک مقاله با تمرکز بر مؤلفه‌های راهبردی قدرت سیاسی، امنیت ملی و اقتضائات حکمرانی در گام دوم انقلاب، به تبیین الزامات کلان حکمرانی پرداخته است، بی‌آنکه به نقش روایتگری یا منازعه روایی در این چارچوب بپردازد (پورسعید، ۱۴۰۰: ۴-۱۶) و در مقاله دیگری ضمن بررسی ابعاد سیاسی و امنیتی مفهوم ایران قوی، حکمرانی را عمدتاً از منظر ساختاری و نهادی تحلیل کرده و بحثی از جنگ روایت‌ها یا تقدم روایت اولیه در حکمرانی سیاسی ارائه نمی‌دهد (پورسعید، ۱۴۰۰: ۱۷-۲۶). از سوی دیگر، برخی آثار با رویکردی هنجاری به بررسی جایگاه اخلاق، عدالت و مسئولیت‌پذیری در نظام حکمرانی اسلامی می‌پردازند، اما اخلاق را در سطح کلی قدرت و مدیریت سیاسی تحلیل کرده و آن را به طور خاص به عرصه روایتگری سیاسی یا اخلاق روایت اول پیوند نمی‌زند (سید باقری و نظری، ۱۴۰۲: ۷۹-۱۰۰). یکی از مقالات با تصریح بر چالش‌های گفتمان انقلاب اسلامی ایران در مواجهه با نسل دهه هشتاد، با تمرکز بر شکاف‌های نسلی، کارآفرینی، روشن‌فکری و حکمرانی سیاسی، بیشتر ناظر به تحولات اجتماعی-گفتمانی و الزامات سیاست‌گذاری است و اگرچه به مفهوم گفتمان اشاره دارد، اما وارد تحلیل جنگ روایت‌ها یا الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی نمی‌شود (قهرمان و کشاورز، ۱۴۰۲: ۲۹۹-۳۲۷).

برآیند بررسی این آثار نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های موجود، ابعاد مفهومی، راهبردی، رسانه‌ای، شناختی و حتی اخلاقی حکمرانی سیاسی را به صورت پراکنده مورد توجه قرار داده‌اند، اما هیچ‌یک از آن‌ها به طور مستقل و نظام‌مند به مسئله «روایت اول» و الزامات اخلاقی آن در چارچوب حکمرانی سیاسی و در بستر جنگ روایت‌ها نپرداخته‌اند. در اغلب این مطالعات، روایتگری سیاسی یا به صورت ابزاری و راهبردی تلقی شده یا به طور ضمنی و غیرمستقیم مطرح گردیده است. از این رو، تحلیل هنجاری و اخلاق محور روایت اول در حکمرانی سیاسی، به ویژه با اتکا به بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، همچنان خلأیی معنادار در ادبیات پژوهشی محسوب می‌شود؛ خلأیی که پژوهش حاضر درصدد پر کردن آن است.

### ۳. چارچوب مفهومی

برای تبیین دقیق مسئله پژوهش و پرهیز از خلط مفهومی، ضروری است مفاهیم مقاله در قالب چارچوب مفهومی به صورت روشن و نظام‌مند تعریف شوند. از این رو، مقاله حاضر به مفهوم‌شناسی الزامات اخلاقی، روایت اول، حکمرانی سیاسی و جنگ روایت‌ها می‌پردازد. این مفاهیم، چارچوب مفهومی پژوهش را شکل داده و مبنای تحلیل الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها قرار می‌گیرند.

### ۳-۱. الزامات اخلاقی

الزامات اخلاقی در اخلاق در مقابل ارزش‌های اخلاقی و به معنای مجموعه‌ای از بایستگی‌ها و نبایستگی‌های الزام‌آور هستند که کنشگر اخلاقی خود را در برابر آن‌ها موظف می‌یابد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹-۱۱۶) و برخلاف داوری‌های ارزشی که به خوب و بد بودن افعال می‌پردازند، الزامات اخلاقی ماهیتی تجویزی و وظیفه‌مدار دارند و مستقیماً رفتار را هدایت می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۴۰۴: ۴۶-۵۰). الزام اخلاقی در این چارچوب همراه با اختیار و مسئولیت معنا می‌یابد (مبلغ، ۱۳۸۴: ۸۴-۹۹) و ناظر به وظیفه‌ای است که فاعل اخلاقی، متناسب با توان و مسئولیت در قبال آن پاسخ‌گوست. رهبر انقلاب با تأکید بر همین پیوند میان توانمندی و تعهد می‌فرماید: «این توانایی که خدا به من و شما می‌دهد،

کنارش مسئولیت هست؛ هر مسئولیتی، هر سمتی، در کنارش یک تعهدی وجود دارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۰/۹/۱۳۹۸). بر این اساس، در حکمرانی سیاسی و جنگ روایت‌ها، روایت اول وظیفه‌ای اخلاقی متناسب با مسئولیت اجتماعی است و بی‌توجهی به آن می‌تواند به تضعیف پاسخ‌گویی اخلاقی در عرصه عمومی بینجامد.

البته باید توجه نمود که گاهی فاعل اخلاقی در موقعیت‌هایی به‌طور هم‌زمان با دو یا چند الزام و بایستگی اخلاقی معتبر مواجه است، به‌گونه‌ای که عمل به هر یک، مستلزم ترک الزام دیگر می‌باشد و امکان جمع میان آن‌ها وجود ندارد (مجموعه مقالات، ۱۳۸۰: ۱۳۰-۱۳۱)؛ در این وضعیت، تعارض ناشی از تردید روان‌شناختی یا ضعف اراده نیست، بلکه ریشه در تزاخم واقعی بایستگی‌های اخلاقی دارد؛ یعنی هر دو سوی تعارض از حیث اخلاقی واجد شأن الزام‌آوردند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳: ۲۹۵). از منظر اخلاق هنجاری، تعارض اخلاقی زمانی معنا می‌یابد که هیچ‌یک از الزامات متعارض، بر دیگری ترجیح روشن و قطعی نداشته باشد و فاعل، خود را در برابر انتخابی اخلاقاً پرهزینه بیابد (مجموعه مقالات، ۱۳۸۰: ۱۳۱-۱۳۲). بر این اساس، تعارض اخلاقی ناظر به بحران در تعیین وظیفه اخلاقی است و دشواری در اجرای آن ملاک نیست، بلکه مسئله اصلی، تشخیص مسئولیت اخلاقی در شرایط تزاخم است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۴۹). در پژوهش حاضر و در میدان روایت اول، این تعارض‌ها به‌صورت برجسته میان سرعت در روایتگری، دقت در بیان واقعیت و حفظ اعتماد عمومی بروز می‌یابند؛ از این رو، روایت اول در حکمرانی سیاسی همواره عرصه‌ای است که در آن تصمیم‌گیری روایی از سوی فاعل اخلاقی با فهم دقیق تعارض‌ها باشد و گرنه به تضعیف مشروعیت اخلاقی حکمرانی می‌انجامد.

### ۲-۳. روایت اول

روایت اول به نخستین چارچوب معنایی و تبیینی اطلاق می‌شود که درباره یک رویداد مهم، بحران‌زا یا مناقشه‌برانگیز در فضای عمومی ارائه می‌گردد و ذهن مخاطب را نسبت به واقعیت جهت‌دهی می‌کند. اهمیت روایت اول از آن‌روست که در جنگ روایت‌ها، طرفی که زودتر روایت می‌کند، نه‌تنها تقدم زمانی، بلکه مالکیت ادراکی واقعیت را در اختیار می‌گیرد.

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر این اصل تصریح می‌کنند که اگر جریان حق در روایتگری پیش دستی نکند، دشمن با تحریف، دروغ و جابه‌جایی جای ظالم و مظلوم، روایت مسلط را شکل خواهد داد «شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند... هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۰/۹/۲۱). از این رو، روایت اول صرفاً یک اقدام رسانه‌ای یا خبری نیست، بلکه کنشی بنیادین در حکمرانی سیاسی و جهاد تبیین است که وظیفه آن خنثی‌سازی تردیدافکنی، جعل و دروغ‌پردازی دشمن و تثبیت چارچوب صحیح فهم واقعیت در افکار عمومی است. امام خامنه‌ای تأکید می‌کند: «امروز مهم‌ترین شیوه دشمن، جعل و دروغ‌پردازی است... خبر دروغ می‌دهند، تحلیل دروغ می‌دهند، کشته دروغ معرفی می‌کنند... بدانید دشمن امروز بر پایه دروغ و دروغ‌پردازی دارد کار می‌کند؛ خب وقتی دانستید، طبعاً وظیفه می‌آید روی دوشتان؛ تبیین کنید، جهاد تبیین» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۱/۹/۵). بر این اساس روایت اول پیوندی محکم با قدرت نرم دارد و تأخیر یا غفلت از آن، به منزله واگذاری میدان تبیین به دشمن تلقی می‌شود.

### ۳-۳. حکمرانی سیاسی

حکمرانی سیاسی به مجموعه‌ای از سازوکارها، فرایندها و الگوهای تصمیم‌گیری اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها قدرت سیاسی در جامعه سامان‌یافته، اعمال می‌شود و در معرض پاسخ‌گویی قرار می‌گیرد. این مفهوم فراتر از دولت، ناظر به تعامل میان حاکمیت، نهادهای رسمی، نخبگان و جامعه در جهت تحقق اهداف عمومی، عدالت و کارآمدی است. در حکمرانی سیاسی اسلامی، مشروعیت، کارآمدی و اخلاق به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرند و اعمال قدرت بدون پشتوانه ارزشی و اخلاقی معتبر تلقی نمی‌شود (پورسعید، ۱۴۰۰: ۱۷-۲۶). از این رو، اخلاق سیاسی، بخشی درونی از منطق حکمرانی است که رفتار حاکمان و شیوه مواجهه آنان با افکار عمومی را تنظیم می‌کند (سیدباقری و نظری، ۱۴۰۲: ۸۲-۸۵). بر این اساس، حکمرانی سیاسی زمینه‌ای اساسی برای تحلیل نقش روایتگری، تبیین و مسئولیت اخلاقی در عرصه قدرت محسوب می‌شود.

### ۳-۴. جنگ روایت‌ها

جنگ روایت‌ها یکی از گونه‌های جنگ ترکیبی است و جنگ ترکیبی به کارگیری هم‌زمان و هماهنگ ابزارهای نظامی، اقتصادی، رسانه‌ای، روانی، سایبری و دیپلماتیک برای تضعیف حاکمیت و نفوذ در جامعه هدف تعریف می‌شود (حاجی‌پور و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۳۷). در این چارچوب جنگ روایت‌ها به نوعی منازعه نرم و شناختی در عرصه قدرت اطلاق می‌شود که در آن بازیگران سیاسی و رسانه‌ای می‌کوشند با تولید و تثبیت روایت‌های مسلط، معنا، قضاوت و جهت‌گیری افکار عمومی را نسبت به رویدادهای سیاسی و اجتماعی کنترل کنند. در این جنگ، واقعیت عینی مسئله مورد نظر نیست، بلکه تفسیر و چارچوب‌بندی و تقدم روایی مطرح است؛ به گونه‌ای که روایت غالب می‌تواند مشروعیت بخش کنش‌های سیاسی و امنیتی شود. همچنین جنگ روایت‌ها بخشی از الگوی جنگ هیبریدی است که با بهره‌گیری از رسانه، زبان، نماد و تکرار، به مهندسی ادراک عمومی و جابه‌جایی مرزهای حق و باطل می‌پردازد (لسانی، ۱۴۰۱: ۴۵-۴۸). در این چارچوب، پیش‌دستی در روایتگری و تولید روایت اول نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از تحریف، وارونگی مفاهیم و سلطه گفتمانی رقیب دارد. طبق برخی تحلیل‌ها جنگ روایت‌ها صرفاً ابزار رسانه‌ای نیست، بلکه سازوکاری برای نفوذ در ذهنیت جمعی و بازتولید قدرت سیاسی در سطح ملی و فراملی است (صداقت ثمرحسینی، ۱۴۰۱: ۱۷-۲۲). از این رو، جنگ روایت‌ها مستقیماً با حکمرانی سیاسی، مسئولیت اخلاقی روایتگران و جهاد تبیین پیوند می‌یابد.

### ۴. روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته که تمرکز اصلی بر تحلیل مفاهیم، استخراج مؤلفه‌های نظری و بررسی روابط میان آن‌ها در چارچوبی منسجم است و داده‌ها با مطالعه اسنادی و تحلیل مفهومی منابع معتبر گردآوری شده‌اند. روش تحلیلی امکان می‌دهد تا مفاهیم هنجاری و نظری، بدون نیاز به کمی‌سازی، به صورت عمیق و دقیق واکاوی شوند. لذا در این مقاله، با تکیه بر روش تحلیلی، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان متن مرجع، در نسبت با مفاهیمی چون الزامات اخلاقی، روایت اول و حکمرانی

سیاسی تحلیل شده‌اند. همچنین با بررسی آثار علمی مرتبط با جنگ روایت‌ها و اخلاق هنجاری، چارچوبی نظری برای تبیین تعارض‌های اخلاقی در روایتگری سیاسی ارائه شده است. انتخاب این روش، ضمن حفظ انسجام نظری، از اطاله غیرضروری پژوهش جلوگیری کرده و امکان تمرکز بر تحلیل کیفی و مفهومی مسئله را فراهم ساخته است.

### ۵. ابعاد و الزامات روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها

روایت اول در جنگ روایت‌ها نقشی محوری و تعیین‌کننده دارد و مالکیت ادراکی واقعیت را در اختیار می‌گیرد و چارچوب اولیه فهم مخاطبان را شکل می‌دهد. در فضای رقابت روایی، روایت اول به عنوان نخستین مواجهه رسمی نظام سیاسی با رویدادهای حساس، مسیر پذیرش یا رد روایت‌های بعدی را هموار می‌سازد و از این رو، ابزاری بنیادین در حکمرانی سیاسی محسوب می‌شود. به تعبیر امام خامنه‌ای «فتنه‌ها را باید با روشنگری خاموش کرد. هر جا روشنگری باشد، فتنه انگیز دستش کوتاه می‌شود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۵/۸). تأکید ایشان نشان می‌دهد که روایت اول، یک پیش‌دستی روشنگرانه است و فتنه را پیشاپیش می‌بندد. به همین جهت جایگاه روایت اول از منظرهای متفاوت و در ابعاد و تحلیل‌های گوناگون تبیین می‌گردد.

اولین محور در تبیین جایگاه روایت اول، تقدم زمانی و ادراکی آن و تأثیرش بر شکل‌دهی به ذهنیت عمومی است. روایت اول به دلیل تقدم زمانی، نخستین فرصت را برای جهت‌دهی به ادراک مخاطبان فراهم می‌آورد و از همین رو، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری چارچوب اولیه فهم واقعیت ایفا می‌کند. در روان‌شناسی اجتماعی، مفهوم اثر تقدم بیانگر آن است که اطلاعات اولیه، به ویژه در شرایط ابهام و پیچیدگی، تأثیری ماندگارتر و عمیق‌تر بر قضاوت‌های بعدی افراد بر جای می‌گذارند. یافته‌های پژوهشی در حوزه‌های مختلف علوم رفتاری نیز مؤید این معناست که تقدم اطلاعات، حتی مستقل از محتوای آن می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری داوری نهایی ایفا کند و تقدم مرور ذهنی نسبت به تأخر آن، تأثیر معناداری بر بهبود عملکرد و هماهنگی دارد (عابدینی نسب و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷-۷۰)؛ امری که به روشنی به برتری شناختی و اثرگذاری پایدار عنصر مقدم در فرآیندهای

ادراکی و ذهنی انسان دلالت می‌کند (حمایت‌طلب و همکاران: ۱۳۸۶: ۱۴). بر این اساس، در جنگ روایت‌ها نیز روایت اول با اتکا بر همین تقدم ادراکی، توان آن را دارد که پیش از تثبیت برداشت‌های دیگر، ذهن مخاطب را در مسیر تفسیر خاصی از واقعیت هدایت کند و مبنای ارزیابی روایت‌های بعدی را از پیش تعیین سازد و حتی اجازه ندهد که روایت‌های دشمن مخصوصاً در مواجهه با رویدادهای پیچیده و بحرانی مورد پذیرش واقع شود.

یکی دیگر از ابعاد بنیادین روایت اول در جنگ روایت‌ها، تعیین چارچوب گفتمانی مسلط و محدودسازی فضای تفسیری روایت‌های رقیب است. بر اساس نظریه گفتمان، هر روایت از طریق برجسته‌سازی برخی دلالت‌ها و به حاشیه راندن دلالت‌های دیگر، یک نظام معنایی خاص تولید می‌کند که کنش‌ها، داوری‌ها و تفسیرهای بعدی درون آن قابل فهم می‌شوند. در این چارچوب، گفتمان‌ها صرفاً بازتاب واقعیت نیستند، بلکه با مفصل‌بندی عناصر معنایی، واقعیت اجتماعی و سیاسی را صورت‌بندی می‌کنند (هوارث و سلطانی، ۱۳۷۷: ۱۵۶-۱۸۳). روایت اول، به‌عنوان نخستین مفصل‌بندی گفتمانی یک رخداد، با تثبیت دال‌های مرکزی و تعریف مفاهیم کلیدی نظیر ظلم، امنیت، مقاومت یا فتنه، میدان معنا را به‌گونه‌ای سامان می‌دهد که روایت‌های معارض ناگزیر یا در درون این چارچوب معنا یابند یا در موقعیت تقابلی و پرهزینه قرار گیرند. از منظر نظریه گفتمان لاکلا و موفه، این فرآیند معطوف به تثبیت موقت معنا و تحدید سیالیت دال‌هاست؛ امری که امکان سلطه گفتمانی و مدیریت منازعه معنایی را فراهم می‌سازد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۸۰). در سطح حکمرانی سیاسی، تثبیت چارچوب گفتمانی از سوی روایت اول، به یک نظام سیاسی این امکان می‌دهد تا میدان منازعه روایی را به صورت فعال مدیریت کند و از گسترش تفاسیر واگرا و ناامن‌ساز جلوگیری نماید.

پیوند روایت اول با مشروعیت سیاسی و اعتماد عمومی از دیگر ابعاد مورد نظر است و مشروعیت سیاسی افزون بر مبانی حقوقی و نهادی، ریشه در باور، پذیرش و اعتماد اجتماعی دارد و بدون تحقق این مؤلفه‌های ادراکی، قدرت سیاسی از ثبات و دوام برخوردار نخواهد بود. همچنین گفته شده مشروعیت سیاسی، فرآیندی پویا و ارتباط‌محور است که

استمرار آن وابسته به احساس حقانیت، عدالت و صداقت در رفتار و گفتار حاکمیت است (خسروی، ۱۳۸۰: ۴۸-۵۰). این تلقی با الگوی مشروعیت سیاسی در احادیث نیز هم‌خوان است؛ جایی که مشروعیت سیاسی علاوه بر تکیه بر ولایت در عقلانیت، هدایت، تدبیر امور جامعه و آگاهی بخشی صادقانه به مردم معنا می‌یابد (لک زایی و محمودی قهاره، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۵۰). در این چارچوب، روایت اول در شرایط جنگ روایت‌ها به مثابه نخستین کنش تبیینی حاکمیت، نقشی تعیین‌کننده در بازتولید یا فرسایش مشروعیت ایفا می‌کند؛ روایتی که اگر مبتنی بر واقعیت، شفافیت و التزام اخلاقی باشد، اعتماد عمومی را تقویت کرده و مشروعیت سیاسی را تحکیم می‌بخشد و در صورت ابهام یا تحریف، با تضعیف کارکرد هدایتی قدرت، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی و فرسایش سرمایه اجتماعی خواهد شد. از این رو، روایت اول صرفاً ابزاری رسانه‌ای نیست، بلکه سنجه‌ای اخلاقی برای ارزیابی کیفیت حکمرانی سیاسی به شمار می‌آید.

## ۶. الزامات اخلاقی روایت اول در جنگ روایت‌ها

همان‌طور که بیان شد جنگ روایت‌ها به‌عنوان یکی از ابعاد بنیادین جنگ ترکیبی، تنها میدان تقابل اطلاعات و تفسیرها نیست، بلکه عرصه‌ای است که در آن اخلاق حکمرانی به‌طور مستقیم در معرض آزمون قرار می‌گیرد. روایت اول، به دلیل تقدم زمانی و ادراکی، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به چارچوب‌های ذهنی مخاطبان، تثبیت دلالت‌های معنایی و جهت‌دهی به داورهای اخلاقی و سیاسی ایفا می‌کند؛ از همین رو، این روایت بیش از هر روایت دیگری واجد بار مسئولیت اخلاقی است. بیان شد که روایت اول می‌تواند هم‌زمان منشأ قدرت‌گفتمانی، ابزار بازتولید مشروعیت سیاسی و عامل شکل‌دهی به افکار عمومی باشد؛ همین کارکردهای قدرت‌ساز، ضرورت بحث از الزامات اخلاقی آن را دوچندان می‌کند.

باین حال، الزامات اخلاقی روایت اول را نمی‌توان مستقل از واقعیت‌های میدان جنگ روایت‌ها فهم کرد؛ میدانی که در آن دشمن به‌صورت مستمر و سازمان‌یافته در پی تحریف واقعیت، وارونه‌سازی تاریخ و به فراموشی سپردن دستاوردهای انقلاب اسلامی است. رهبر

انقلاب با اشاره به این راهبرد دشمن تصریح می‌کنند: «دشمن دست بر نمی‌دارد؛ تا انقلاب را یا تحریف کنند یا به دست فراموشی بسپارند و کاری کنند که ملت حرکت خود، سابقه خود و کار بزرگی را که کرده است فراموش کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷). در چنین شرایطی، تحریف، ابزاری آگاهانه برای جهت‌دهی ادراک عمومی و تضعیف هویت انقلابی است؛ از این رو، اگر روایت اول به احتیاط افراطی، تأخیر یا سکوت فروکاسته شود، عملاً میدان روایت به روایت‌های جعلی و تحریف‌شده واگذار خواهد شد و این امر خود، چالشی اخلاقی در حکمرانی روایت محسوب می‌شود.

درعین حال، پذیرش این شرایط به معنای مشروعیت بخشی به دروغ، اغراق یا فریب در روایت حکمرانی نیست. اخلاق اسلامی و منطق حکمرانی مشروع اجازه نمی‌دهد که روایت اول برای رقابت با دروغ، به منطق دروغ تن دهد یا برای غلبه بر جذابیت روایت‌های تحریف‌شده، از صدق و انصاف عدول کند و برای افکار عمومی دست به دامان همان روش‌ها شد؛ زیرا از منظر اخلاقی هدف وسیله را توجیه نمی‌کند (حاجی‌پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۰). از این منظر، مسئله اصلی، چگونگی ایجاد تعادل اخلاقی میان سرعت و دقت در شرایط تحریف و اغوا است. به بیان دیگر، باید به این پرسش محوری پاسخ داد که چگونه روایت اول می‌تواند هم‌زمان پیش‌دستانه، اثرگذار و میدان‌دار باشد و درعین حال، از مرزهای صدق، انصاف و اعتماد عمومی عبور نکند. بر این اساس پژوهش حاضر با اتخاذ الگویی فرایندی، به تبیین الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها می‌پردازد. در این الگو، الزامات اخلاقی به صورت توصیه‌هایی انتزاعی و فارغ از میدان نیستند، بلکه همانند مراحل و قیود هنجاری یک فرایند تصمیم‌گیری روایی در نظر گرفته می‌شوند؛ فرایندی که در بطن خود با تعارض دائمی میان سرعت و دقت و با فشار مستمر دروغ، تحریف و جذابیت کاذب روایت‌های دشمن مواجه است.

## ۶-۱. صداقت فعالانه

در جنگ روایت‌ها، روایت اول در شرایطی شکل می‌گیرد که دشمن با آگاهی از منطق رسانه و روان مخاطب، دروغ را زودتر، ساده‌تر و جذاب‌تر منتشر می‌کند. تقدم زمانی روایت

دشمن، اگر با سکوت یا تأخیر روایت توسط رسانه‌های انقلابی همراه شود، به سرعت چارچوب‌های ادراکی مخاطب را تثبیت کرده و امکان اصلاح معنایی را به شدت کاهش می‌دهد. از این رو، پیش‌دستی در روایت پردازی بدون عبور از مرزهای اخلاقی و بدون شتاب‌زدگی خبری یا اغراق‌روایی وظیفه رسانه‌ای نظام اسلامی است؛ به همین جهت است که امام خامنه‌ای می‌فرماید: «وظیفه‌ی خواص این است که در مواقع لازم، تردیدافکنی و شک‌آفرینی دشمن را خنثی کنند و مسائل را تبیین کنند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱۱/۱۶).

هرچند در یک معنا صدق به معنای مطابقت گفتار با واقعیت عینی است که به آن صدق خبری گفته می‌شود (حاجی پور و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۰-۵۳)، اما در منطق اخلاق اسلامی، صدق معنای دیگری هم دارد و آن مطابقت گفتار با اعتقاد گوینده است که اگر بیان روایت و خبر با قصد و آگاهی فرد، مطابق با یکی از آن دو مورد نباشد، آن خبر و روایت در حکم فریب و فاقد صداقت اخلاقی است (حاجی پور، ۱۳۹۹: ۱۷۴-۱۷۷). البته در فضای اجتماعی، صدق صرفاً یک فضیلت فردی نیست، بلکه بنیان اعتماد اجتماعی و شرط مشروعیت کنش سیاسی است. قرآن کریم با صراحت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه ۱۱۹). فرمایش قرآن ناظر به همراهی فعال با صدق است؛ بنابراین از منظر قرآن و با رویکرد اخلاق اسلامی، در بحث روایت اول، صدق منفعل کافی نیست؛ زیرا باعث تأخیر، ابهام و یا انفعال روایت در برابر دروغ می‌شود. سیره قرآنی انبیا نیز مؤید همین معناست و نمونه برجسته آن، رفتار رجل مؤمن در سوره یس است که در لحظه بحران، با شتاب وارد میدان می‌شود و ایمان خود را صریح و بی‌پرده اعلام می‌کند: «إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ» (یس ۲۵) پیش‌دستی تبیینی آن مرد مؤمن شتاب‌زده نبود، بلکه مبتنی بر یقین، صدق و احساس مسئولیت نسبت به هدایت جامعه بود.

از منظر اخلاق حکمرانی، نسبت این الزام در تعارض سرعت روایت با دقت در روایت بدین صورت تبیین می‌گردد که سرعت، تکلیف حکمرانی در میدان تحریف رسانه‌های دشمن و ضدانقلاب است و تأخیر، میدان را به دروغ می‌سپارد، اما صدق، خط قرمز اخلاقی

روایت اول است و عبور از آن، حتی اگر پیروزی کوتاه مدت روایی ایجاد کند، درنهایت به فرسایش اعتماد عمومی و تضعیف مشروعیت سیاسی نزد افکار عمومی می‌انجامد؛ بنابراین، راه حل اخلاقی در رویدادها، پیش دستی صادقانه در روایت و پرهیز از تأخیر یا شتاب‌زدگی خبری است. امام خامنه‌ای بر صراحت و صداقت تأکید نموده و صراحت را مقید به صدق و تقوا می‌داند: «اگر بنا است یک حرفی گفته بشود، با صراحت گفته بشود، منتها رعایت صداقت بشود، رعایت تقوا بشود» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۳/۳). در نتیجه، الزام بر صدق و پیش دستی در روایت، هسته اخلاقی روایت اول در جنگ روایت هاست؛ زیرا صدق دیرنگام، باعث بی‌اثر شدن روایت و تکرار سرعت غیرصادقانه به تدریج باعث بی‌اعتمادی می‌شود.

## ۲-۶. احتیاط آگاهانه

احتیاط اخلاقی و مسئولانه در کنش روایی میان شبهه و اقدام و میان سرعت و دقت، الزام اخلاقی دیگر در روایت اول است که دارای حُسن مطلق، همراه با نوعی خوف عقلایی از خطا یا مفسده اجتماعی و ناظر به طراحی فرایندی است که امکان اقدام مسئولانه را در شرایط عدم قطعیت حفظ می‌کند (امامی، ۱۳۹۲). قرآن کریم، احتیاط را در سطح خبر و داوری اجتماعی به صورت یک الزام روشن مطرح می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا» (حجرات، ۶). بر اساس آیه شریفه، مبنای روایت اول مسئولانه بدین صورت تبیین می‌شود که در مواجهه با اخبار مشکوک، ابتکار روایت باید پس از تبیین و راستی‌آزمایی شکل گیرد تا سرعت روایتگری به قیمت خطای معرفتی و بازتولید تحریف تمام نشود. همچنین از آیه شریفه دیگری مرز اخلاقی کنش روایی مشخص می‌شود: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء، ۳۶)، بنابراین احتیاط در روایت، تکلیف و وظیفه‌ای ناظر به حفظ مسئولیت اجتماعی و جلوگیری از خسارت معرفتی جمعی است. نیز، در روایات اهل بیت علیهم‌السلام از جمله روایت امام باقر علیه‌السلام معیار خروج عملی از وضعیت تردید ارائه می‌شود: «أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَيَقْفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ»: حق خدا بر بندگان این است که آن گویند که می‌دانند و در آنچه نمی‌دانند درنگ کنند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۷۰۱)؛ بنابراین از آیات و

روایات در بیان روایت اول، مبنای پرهیز از ادعاهای قطعی در شرایط فقدان اطمینان معرفتی فهم می‌شود.

البته منظور از احتیاط آگاهانه در روایت اول، احتیاط عقلانی فعال در مقابل احتیاط منفعل است و این معنا از احتیاط، ذاتاً با شجاعت عجین است؛ چنان‌که رهبر انقلاب، منش صحیح انقلابی را شجاعت همراه با تدبیر معرفی می‌کنند: «آنچه که در منش انقلاب اسلامی می‌توان به روشنی از آن سخن گفت، عبارت است از شجاعت همراه با تدبیر» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۷/۱۸). بر این اساس، احتیاط عقلانی فعال، مستلزم راستی‌آزمایی حداقلی چندمنبعی، درجه‌بندی سطح اطمینان در بیان و پیش‌بینی امکان اصلاح و بازبینی است و چنین رویکردی، امکان جمع میان سرعت و دقت را فراهم می‌کند و از تبدیل احتیاط به سکوت و تعلیق دائمی و احتیاط منفعل جلوگیری می‌نماید. احتیاط منفعل از جهت معنایی هم ردیف جبن و ترس از اقدام است که گاهی به سکوت می‌انجامد و با فضیلت شجاعت در تعارض است (نراقی، ۱۳۹۸: ۱۷۰. مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۴۶).

### ۳-۶. شجاعت مسئولانه

شجاعت مسئولانه و صراحت اخلاقی در تبیین، دیگر الزام اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌هاست؛ زیرا در جهانی که به تعبیر امام خامنه‌ای «مهم‌ترین ابزار جنگ بین قدرت‌ها، رسانه است» و «تأثیر رسانه‌ها از سلاح و موشک و بمب اتم بیشتر شده است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۲/۲۸)، هرگونه ابهام، تعلیق یا محافظه‌کاری، روایی، عملاً به واگذاری میدان معنا به دشمن می‌انجامد. شجاعت در این معنا، هیجان‌زدگی رسانه‌ای و جسارت بی‌محابا نیست، بلکه جرئت گفتن حقیقت قابل دفاع در زمان لازم است؛ جرئتی که در چارچوب مسئولیت اجتماعی و با قید صدق فعالانه و احتیاط آگاهانه معنا پیدا می‌کند. در چنین فضایی، سکوت یا سخن دوپهلوی و مبهم، نشانه فقدان شجاعت اخلاقی در حکمرانی روایت است. علاوه بر ضد اخلاقی بودن، از منظر روان‌شناسی اجتماعی، روایت‌های مبهم و انعکاس ابهام‌آمیز موضوعات در شرایط بحران،

به طور طبیعی اعتماد مخاطب را کاهش می‌دهند؛ زیرا ذهن مخاطب در وضعیت ابهام، به روایت‌هایی گرایش پیدا می‌کند که قطعیت، سادگی و وضوح بیشتری دارند؛ حتی اگر آن روایت‌ها تحریف‌شده یا نادرست باشند (نعمتی، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۶۹).

در میدان جنگ روایت‌ها، یکی از راهبردهای اصلی دشمن، ایجاد ترس از صراحت و القای این تصور است که بیان روشن واقعیت‌ها پرهزینه و خطرناک است؛ درحالی‌که به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای «خوف و حزن دو آفت بزرگ است؛ برای یک انسان، یک جماعت و یک ملت» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۶/۳۱) و ادبیات مقاومت، ادبیات نفی ترس و اندوه است. محافظه‌کاری روایی برخاسته از ترس، به تدریج روایت اول را از کارکرد تبیینی تهی می‌کند و میدان را برای روایت‌های احساسی، ساده‌سازی‌شده و تحریف‌شده دشمن می‌گشاید؛ روایتی که با تکیه بر سلاح ارتباطات رسانه‌ای می‌تواند «شب را روز و روز را شب معرفی کند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۳/۱۴). از منظر اخلاقی، این سکوت یا ابهام خودخواسته، علاوه بر خطای ارتباطی، قصور در انجام وظیفه اخلاقی تبیین و توضیح حق آگاهی مردم است.

تعبیر دیگر در الزام شجاعت مسئولانه در حکمرانی سیاسی، پذیرش آگاهانه هزینه‌های کوتاه‌مدت در تبیین صادقانه برای صیانت از منافع بلندمدت اعتماد عمومی و مشروعیت سیاسی است و در اخلاق حکمرانی اسلامی، ترس از واکنش منفی مقطعی افکار عمومی، مجوزی برای ابهام، تعلیق یا پنهان‌سازی روایت نیست؛ بلکه حکومت اسلامی توسط رسانه‌های همراه موظف است با اتکا به صدق، تدبیر و شجاعت، روایت اول را واقع‌نما و هدایت‌گر عرضه کند. قرآن کریم صراحت در بیان حق را وظیفه‌ای اخلاقی می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» (مانده، ۸) و مؤمنان را به قیام برای خدا و شهادت عادلانه یعنی ایستادن فعال، شجاعانه و مسئولانه در موضع حق فرا می‌خواند. تعبیر «قَوَّامِينَ» ناظر به کنش مستمر، هزینه‌پرداز و نشان‌دهنده آن است که بیان حق، حتی در شرایط دشوار، یک وظیفه اخلاقی است و آیه شریفه در نسبت با حکمرانی سیاسی و جنگ روایت‌ها، مبنای نفی ترس از واکنش‌های مقطعی افکار عمومی است و شهادت به قسط

اقتضا می‌کند حقیقت به موقع، صریح و بدون ابهام گفته شود و از تعلیق روایت و سکوت پرهیز شود تا اعتماد عمومی و مشروعیت سیاسی بلندمدت حفظ شود.

#### ۶-۴. صیانت از اعتماد عمومی

صیانت از اعتماد عمومی در برابر جذابیت دروغ، دیگر الزام اخلاقی روایت اول در جنگ روایت‌هاست. در جنگ روایت‌ها، دروغ به طور طبیعی جذاب‌تر، هیجانی‌تر و کنج‌کاو‌برانگیزتر از حقیقت است؛ زیرا روایت دشمن اغلب با اغراق، تحریف و شبهه افکنی همراه است تا ذهن‌ها را تسخیر کند، اما در اخلاق حکمرانی اسلامی، پیروزی کوتاه مدت در جنگ روایت‌ها، مجوز سلب اعتماد عمومی نیست. روایت اول، علاوه بر ابزار پاسخ‌گویی به دشمن، کنش و رفتاری اخلاقی است که مستقیماً با مشروعیت سیاسی و قوام حیات جمعی پیوند دارد و دروغ، اعتماد اجتماعی را که زیربنای هر نظام حکمرانی است، فرسایش می‌دهد و جامعه را مستعد اغواء و تفرقه می‌کند؛ بنابراین، روایت اول نباید برای رقابت با روایت دشمن، به اغراق، هیجان‌سازی یا تحریف واقعیت تن دهد؛ زیرا در بلندمدت سرمایه اعتماد را می‌سوزاند و دقیقاً در زمین دشمن بازی می‌کند. قرآن کریم با صراحت می‌فرماید: «وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، ۴۲) و علاوه بر امتزاج ناپذیری حق و باطل، حریم اخلاقی کتمان حقیقت را ترسیم می‌کند و لذا در جنگ روایت‌ها، حکومت اسلامی موظف است مرز این دو را محکم نگاه دارد و هرگز برای جذاب‌تر کردن روایت خود، به تحریف یا پنهان‌سازی واقعیت دست نزند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «الْكَذِبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۹: ۲۶۳). روایت نشانگر آن است که حتی یک دروغ می‌تواند زنجیره‌ای از فساد و بی‌اعتمادی را به راه اندازد و دشمن در شرایط جنگ روانی از همین کلید برای گشودن درهای تردید و تفرقه استفاده می‌کند و لذا روایت اول باید با صدق مطلق و صراحت کامل ارائه شود تا کلید فوق در دست دشمن باقی نماند. در جنگ روایت‌ها، الزام اخلاقی روایت اول به پرهیز صوری از دروغ محدود نمی‌شود و متضمن صیانت فعال از اعتماد عمومی در شرایط ابهام، تحریف و فشار ادراکی است. رهبر معظم انقلاب با تأکید بر اهمیت صدق لهجه در ارتباط حاکمیت با مردم تصریح می‌کند:

«حقیقتاً وقتی ما با مردم مواجه می‌شویم، می‌توانیم اعتماد مردم را با صدق لهجه و بیان واقعیت‌ها کاملاً جلب کنیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۶/۴). این بیان نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به صداقت در روش، شفافیت در بیان و پرهیز از پنهان‌کاری وابسته است. با این حال، این شفافیت به معنای قطعیت‌نمایی شتاب‌زده یا اغراق در روایت نیست؛ چنان‌که ایشان هشدار می‌دهد: «گاهی انسان خیال می‌کند برای شیرین کردن یک قضیه در چشم مخاطبین، باید آن را با پیرایه‌ها و اغراق‌ها بیامیزد، درحالی‌که این پیرایه‌ها نه تنها بر ارزش حقیقت نمی‌افزاید، بلکه گاهی از آن می‌کاهد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۱۴).

بر این اساس، روایت اول اخلاقی، روایتی است که با شفافیت تدریجی، تفکیک معلوم از مجهول و پذیرش مسئولانه ابهام‌ها پیش می‌رود. افزون بر این، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اتقان شرط اثرگذاری و اعتمادسازی روایت است: «بدون تبیین و تبیین بلیغ، هیچ فکر و اندیشه متقنی توفیق رواج و اعتقاد عمومی پیدا نخواهد کرد؛ سعی کنید در تبیین، عنصر اتقان فراموش نشود» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۱۴). از این منظر، در برابر روایت‌های منسجم اما کاذب دشمن که بر تحریف و هیجان استوارند، روایت اول نظام اسلامی باید با انسجام اخلاقی، پیوستگی گفتار و ثبات رفتاری امکان مقایسه عقلانی را برای مخاطب فراهم آورد. چنین رویکردی در حکمرانی اسلامی، مصداق تقوای سیاسی و ترجیح حفظ سرمایه اعتماد عمومی بر اقناع هیجانی کوتاه مدت است و میدان جنگ روایت‌ها را از التهاب احساسی به داوری عقلانی و مسئولانه منتقل می‌کند.

## ۵-۶. مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مستمر

مسئولیت‌پذیری روایی و پاسخ‌گویی مستمر در برابر افکار عمومی، دیگر الزام اخلاقی روایت اول در جنگ روایت‌هاست؛ بدین توضیح که روایت اول، بخشی از رفتار حکمرانی محسوب می‌شود و همان‌گونه که بدنه حاکمیت در نظام اسلامی نسبت به تصمیمات خود مسئول‌اند، رسانه‌ها نیز در نظام اسلامی در قبال روایت‌سازی، نحوه اطلاع‌رسانی و پیامدهای ادراکی آن دارای مسئولیت اخلاقی هستند؛ به همین خاطر باید توجه داشت که در

جنگ روایت‌ها، رسانه‌های دشمن از رهاشدگی روایت رسمی و فقدان پاسخ‌گویی سوءاستفاده نموده و با برجسته‌سازی خطاها، تناقض‌ها یا سکوت‌های رسانه‌ای، اعتبار روایت اول را تضعیف می‌کنند و ذهن مخاطب را به سوی روایت جایگزین سوق می‌دهد. در چنین وضعیتی، حتی روایت صادقانه اولیه نیز، در صورت عدم تداوم توضیح و اصلاح، کارکرد اعتمادساز خود را از دست می‌دهد. از این رو، پاسخ‌گویی مستمر نه یک امتیاز رسانه‌ای، بلکه شرط بقا و اثرگذاری روایت اول است. بیانات رهبر معظم انقلاب به روشنی بر این معنا دلالت دارد که مشروعیت گفتمان رسمی، درگرو صداقت، شفافیت و پاسخ‌گویی عملی است: «اعتماد مردم با حرف به وجود نمی‌آید؛ با عمل باید اعتماد مردم را جلب کرد... با پرهیز از دوگانگی در حرف و عمل» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۳/۱). این بیان ناظر به آن است که روایت اول، زمانی اخلاقی و مشروع باقی می‌ماند که میان گفتار، رفتار و پاسخ‌ها انسجام برقرار باشد و هرگونه گسست میان روایت رسمی و واقعیت‌های قابل مشاهده، یا بی‌توجهی به مطالبات توضیحی جامعه، باعث سلب اعتماد می‌شود.

از منظر اخلاق حکمرانی اسلامی، روایت اول نمی‌تواند خود را مصون از پرسش، نقد و بازخواست افکار عمومی بداند. فقدان پاسخ‌گویی، حتی اگر با نیت حفظ اقتدار یا کنترل بحران انجام شود، به تدریج احساس بی‌اعتنایی به عقلانیت و کرامت مخاطب را ایجاد می‌کند و این خود زمینه‌ساز بی‌اعتمادی است (خانباشی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۵). در مقابل، روایت مسئولانه، روایتی است که نه تنها پیش‌دستانه و صادقانه آغاز می‌شود، بلکه در ادامه نیز آماده تصحیح، تکمیل و توضیح است و از پذیرش خطا یا نقص اطلاعات حتی در زمان فتنه‌ها هراس ندارد. در همین چارچوب، رهبر معظم انقلاب، روشنگری را تنها ابزار مؤثر برای شکستن فضای فتنه معرفی می‌کند: «چه چیزی می‌تواند این ظلمات را بشکند، جز چراغ و مشعل بیان حقیقت» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۹/۲۲). این ویژگی، روایت اول را از تبلیغات یک‌سویه متمایز می‌سازد و آن را به کنشی اخلاقی و اعتمادساز بدل می‌کند. درنهایت، مسئولیت‌پذیری روایی، روایت اول را از سطح رقابت رسانه‌ای صرف به

سطح حکمرانی اخلاقی ارتقا می‌دهد و روایت اول پاسخگو هم مشروعیت سیاسی را حفظ می‌کند و هم باعث تبدیل مخاطب به کنشگر آگاه و مشارکت‌کننده در فهم واقعیت شده و میدان تحریف دشمن را محدود می‌سازد. در مجموع، این الزام اخلاقی تضمین می‌کند روایت اول، به جای فروکاستن به بیانیه‌ای بسته و ایستا، به فرآیندی زنده، اصلاح‌پذیر و اعتمادساز در خدمت حکمرانی اسلامی تبدیل گردد.

از مجموع الزامات اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها، یک الگو و چارچوب اخلاقی قابل استخراج است که در آن روایت اول به‌عنوان یک فرآیند اخلاقی - حکمرانی فهم می‌شود. در این چارچوب، صدق فعالانه محور هسته‌های جاری روایت را شکل می‌دهد؛ زیرا روایت اخلاقی فارغ از انتقال‌گزینشی اطلاعات، کنش آگاهانه برای حفظ حقیقت در میدان تراحم روایت‌هاست. به تعبیر امام خامنه‌ای مجاهد تبیین باید بداند امروز چه چیزی را باید تبیین کند؛ مسئله روز خودش را بشناسد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱۰/۱۳). فرمایش ایشان نشانگر آن است که صدق در روایت اول بر اساس موقعیت و مسئله و ناظر به مسئله واقعی و اولویت‌دار جامعه است. در این چارچوب احتیاط آگاهانه و شجاعت همراه با حس مسئولیت، تعادل اخلاقی میان سرعت در روایت‌گری و دقت در بیان حقیقت را برقرار می‌کنند. فرمایش رهبری که می‌فرماید: «انواع و اقسام دشمنی‌ها با قدرت نرم انجام می‌شود؛ فیلم می‌سازند، تبلیغات دروغین می‌کنند؛ در مقابل این‌ها باید حقیقت را بیان کرد و سینه سپر کرد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۱۰/۱۳) بر این امر دلالت دارد که شجاعت همراه با مسئولیت به‌عنوان پاسخ‌فعال به تحریف سازمان‌یافته می‌باشد؛ در نتیجه، تأخیر و محافظه‌کاری بیش از حد در روایت، عامل برهم خوردن توازن اخلاقی روایت اول است.

در مجموع، صیانت از اعتماد عمومی غایت اجتماعی روایت اول را تضمین می‌نماید و اعتماد عمومی زمانی شکل می‌گیرد که مردم، روایت رسمی را تلاشی صادقانه برای روشن‌سازی واقعیت‌های مؤثر بر سرنوشت خود بدانند. از این منظر، روایت اول، زمانی اعتمادساز است که با تجربه زیسته مخاطبان و ادراک آنان از تهدیدها و فرصت‌های واقعی

هم خوان باشد. درنهایت، مسئولیت‌پذیری مستمر، ضامن پویایی، اصلاح‌پذیری و مشروعیت بلندمدت روایت اول است. روایت اخلاقی، فرآیندی زنده است که با توضیح، تکمیل و حتی تصحیح خود، اعتبارش را حفظ می‌کند. بر این اساس، این چارچوب اخلاقی، روایت اول را از منطق رقابت رسانه‌ای صرف خارج ساخته و آن را در چارچوب حکمرانی اخلاق محور و جهاد تبیین مسئولانه قرار می‌دهد.

#### جدول ۱. چارچوب اخلاقی روایت اول در حکمرانی سیاسی

خطر نقض الزام	نسبت با حکمرانی سیاسی	کارکرد اخلاقی	الزام اخلاقی	
سلب اعتماد و تضعیف مشروعیت	حفظ مشروعیت اخلاقی قدرت و جلوگیری از تحریف	تضمین مطابقت روایت با واقع و نیت صادقانه	صدق فعالانه	۱
بازتولید دروغ ناخواسته	جلوگیری از خطای معرفتی جمعی و خسارت اجتماعی	پرهیز از قطعیت‌نمایی در شرایط عدم اطمینان	احتیاط آگاهانه	۲
واگذاری میدان معنا به دشمن	پیش‌دستی اخلاقی در میدان تبیین	بیان صریح و به‌موقع حقیقت قابل دفاع	شجاعت مسئولانه	۳
سقوط سرمایه اعتماد	تثبیت مشروعیت سیاسی و انسجام اجتماعی	ترجیح سرمایه اجتماعی بر پیروزی کوتاه‌مدت	صیانت از اعتماد عمومی	۴
تبدیل روایت اول به تبلیغات	تبدیل روایتگری به کنش حکمرانی اخلاقی	التزام به اصلاح، توضیح و پذیرش نقد	مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مستمر	۵

برآیند الزامات پنج‌گانه نشان می‌دهد که روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها، صرفاً ابزار غلبه رسانه‌ای نیست، بلکه کنشی اخلاقی و مسئولانه است. در این چارچوب، قدرت روایت اول زمانی مشروع، اخلاقی و پایدار خواهد بود که با صدق، شجاعت، احتیاط، اعتمادسازی و پاسخ‌گویی همراه شود. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز مؤید آن است که تبیین، تکلیفی مستمر و مقید به اخلاق است و هرگونه عدول

از صداقت و مسئولیت به تضعیف مشروعیت می‌انجامد. از این رو، روایت اول اخلاقی، فرآیندی زنده، اصلاح‌پذیر و اعتمادساز است که می‌تواند هم‌زمان میدان تحریف دشمن را محدود کرده و پیوند حکمرانی با افکار عمومی را تحکیم بخشد.

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که روایت اول در حکمرانی سیاسی جنگ روایت‌ها، فرآیندی اخلاقی، هنجاری و قدرت‌ساز است که مشروعیت سیاسی و اعتماد عمومی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد و بدون التزام اخلاقی، به ضد کارکرد حکمرانی تبدیل می‌شود.

نخستین برآیند اساسی این پژوهش آن است که روایت اول، به دلیل تقدم زمانی و ادراکی، به یکی از حساس‌ترین عرصه‌های اعمال قدرت سیاسی تبدیل شده و از این رو بیش از هر سطح دیگری، نیازمند قیدهای اخلاقی الزام‌آور است. تحلیل مفهومی نشان داد که بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، روایت‌گری سیاسی ذاتاً مقید به صدق، شجاعت، احتیاط، اعتمادسازی و پاسخ‌گویی است و جهاد تبیین بر اساس تکلیفی اخلاقی در برابر تحریف، دروغ و اغوای رسانه‌ای تعریف می‌شود. بر این اساس، روایت اول زمانی می‌تواند نقش حکمرانی ایفا کند که به جای منطق غلبه‌روایی به هر قیمت، بر منطق هدایت افکار عمومی بر پایه حقیقت استوار باشد. این یافته، تمایز بنیادین روایت اخلاقی حکمرانی را با تبلیغات سیاسی آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که مشروعیت روایی از شدت پیام به دست نمی‌آید، بلکه از انسجام اخلاقی آن زاده می‌شود.

دومین نتیجه عمیق پژوهش آن است که پنج الزام اخلاقی استخراج شده، چارچوب منسجم و فرآیندی را تشکیل می‌دهند که فقدان هر یک، کل سازه روایت اول را دچار اختلال می‌کند. صدق فعالانه بدون شجاعت به انفعال می‌انجامد و شجاعت بدون احتیاط به خطای معرفتی منجر می‌شود و روایت صادق اما غیرپاسخ‌گو، اعتمادساز نخواهد بود. در نهایت، صیانت از اعتماد عمومی به عنوان غایت اجتماعی روایت اول، معیار نهایی سنجش اخلاقی حکمرانی روایی است.

برآیند نهایی مقاله آن است که روایت اول بر محور اخلاق، فرآیندی زنده، اصلاح‌پذیر و پاسخ‌گوست که می‌تواند هم‌زمان میدان تحریف دشمن را محدود سازد، سرمایه اجتماعی را حفظ کند و پیوند میان قدرت سیاسی و عقلانیت افکار عمومی را در حکمرانی اسلامی تحکیم بخشد.

### تشکر و سپاسگذاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که مطالعاتشان در این پژوهش به کار رفت، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

### تعارض منافع

این مطالعه برای نویسنده هیچ گونه تضاد منافی به همراه نداشته است.

### منابع مالی

این پژوهش هیچ کمکی از سازمان‌های تأمین مالی عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

## کتابنامه

قرآن کریم

امامی، سعید (۱۳۹۲). جایگاه اخلاقی احتیاط با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، استاد راهنما اکبر میر سپاه و استاد مشاور محمد هدایتی. سایت علم نت (<https://elmnet.ir/doc/10593658>) نت (42342).

بابائیان، محمد؛ کرمی تالاندشتی، فاطمه (۱۴۰۲). مبانی جنگ شناختی از منظر قرآن کریم و رهبر انقلاب. کوثر. ۲۳ (۷۴)، ۱۱۹-۱۴۴.

بیانات مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، <https://www.khamenei.ir>

پیشاهنگ، محمدحسین (۱۴۰۳). راهبرد کنشگری رسانه‌ای در نبرد روایت‌ها، از چیستی و چگونگی تا نقشه راه حوزه‌های علمیه. مطالعات فقه و حقوق رسانه. ۶ (۱۱)، ۲۶۷-۲۹۸.

پیشاهنگ، محمدحسین (۱۴۰۲). کنشگری رسانه‌ای حوزه‌های علمیه شیعی در نبرد روایت‌ها در یک‌صد سال اخیر. دین و رسانه. ۲۰ (۲۵)، ۶۶-۸۷.

پورسعید، فرزاد (۱۴۰۰). ایران قوی و الزامات حکمرانی سیاسی. دیده‌بان امنیت ملی (۱۱۱)، ۱۷-۲۶.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). اخلاق کاربردی. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حاجی پور، حسین (۱۳۹۹). شاخص‌های اخلاقی اقناع و تبلیغ دینی. قم، انصاریان.

حاجی پور، حسین؛ نهاوندی، علی؛ کیانی، مهدی (۱۴۰۲). بررسی فقهی اقناع مخاطب در رسانه‌های جمعی. قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

حاجی پور، حسین؛ دلدار فروتنه، حسین؛ میرزایی، محمد؛ حیدری، داوود (۱۴۰۳). راهکارهای مقابله با عملیات روانی دشمن در جنگ‌های ترکیبی از منظر قرآن و حدیث با تکیه بر بیانات

امام خامنه‌ای. پژوهش‌های دفاعی - امنیتی اسلام، ۱ (۲)، ۱۳۷-۱۵۷.

حمایت طلب، رسول؛ شیخ، محمود؛ موحدی، احمدرضا؛ اسد، محمدرضا (۱۳۸۶). تأثیر تقدم و تأخر تمرین ذهنی بر یادگیری یک مهارت ادراکی-حرکتی با تأکید بر تصویرسازی درونی و

بیرونی. پژوهش در علوم ورزشی (۱۴)، ۱۳۹-۱۵۲.

خدابخشی، لیلا؛ حسن‌خانی، سعید (۱۴۰۱). الزامات راهبردی تحقق فریضه جهاد تبیین. راهبرد سیاسی. ۶ (۲۳)، ۱۶۷-۲۰۳.

خسروی، غلامرضا (۱۳۸۰). مشروعیت سیاسی، بازتاب اندیشه (۲۴)، ۴۸-۵۰.

دلاورپور اقدم، محمد (۱۴۰۳). ابعاد و روش‌های جنگ ترکیبی لابی‌های اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران. سیاست‌پژوهی ایرانی. ۱۱ (۴۱)، ۱۸-۳۴.

- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، علوم سیاسی. ۷ (۲۸)، ۱۵۳-۱۸۰.
- سید باقری، سید کاظم؛ نظری، محمد (۱۴۰۲). کارویژه‌های اخلاق در حکمرانی سیاسی اسلامی، آیین حکمرانی (۱)، ۷۹-۱۰۰.
- شمس‌اللهی، محمد (۱۳۹۷). جنگ روایت‌ها. پاسدار اسلام (۴۳۷-۴۳۸)، ۲۸-۲۹.
- شیخ صدوق، محمد ابن بابویه (۱۳۷۶). امالی. تهران، بعثت.
- صادقی، هادی؛ حاجی پور، حسین؛ کیانی، محمدمهدی (۱۳۹۴). تحلیل و بررسی نظریه نفس‌الامری بودن الزامات اخلاقی. پژوهشنامه اخلاق. ۸ (۲۸)، ۹۹-۱۱۶.
- صداقت ثمرحسینی، کامیار (۱۴۰۱). جنگ روایت‌ها. تهران، فرهنگ مشرق‌زمین.
- طبسی، محمدحسین (۱۴۰۲). جمهوری اسلامی و جنگ روایت‌ها: رسانه و حکمرانی اسلامی. خردورزی (۲)، ۶۵-۶۹.
- عابدینی‌نسب، زینب؛ رحیمی، چنگیز (۱۳۹۰). مقایسه اثر تقدم منفی در زیرگروه‌های اختلال وسواسی-جبری، اختلالات اضطرابی دیگر و گروه بهنجار. تازه‌های علوم شناختی. ۱۳ (۵۲)، ۵۷-۷۰.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳). اخلاق حرفه‌ای. تهران، انتشارات مجنون.
- قربانی، علیرضا و مهدی حمزه پور و علی اصغر کیا (۱۴۰۲). شناسایی و تحلیل راهبردی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد حکمرانی فضای مجازی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات فقه و حقوق رسانه. ۹ (۳۶)، ۱-۴۳.
- قهرمان، میثم؛ کشاورز، هادی (۱۴۰۲). چالش‌های گفتمان انقلاب اسلامی ایران در مواجهه با نسل دهه هشتاد: مطالعه موردی: حوزه‌های کارآفرینی اقتصادی، روشن‌فکری و حکمرانی سیاسی، پژوهش سیاست نظری. ۱۸ (۳۴)، ۲۹۹-۳۲۷.
- کلانتری، حسین (۱۳۹۶). روش‌های اجرای جنگ هویتی علیه جمهوری اسلامی ایران و راه‌های مقابله با آن. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی. ۲۸ (۲۸)، ۸۵-۱۰۸.
- لسانی، محمدرضا (۱۴۰۲). چيستی جنگ روایت‌ها و چگونگی کنش رسانه‌ای مؤثر مبلغان. ره‌توشه (۱۳۷)، ۲۶۷-۲۷۶.
- لک‌زایی، نجف؛ محمودی قهساره، محمدعلی (۱۳۹۶). مشروعیت سیاسی در احادیث کافی. حکومت اسلامی. ۲۲ (۸۵)، ۱۲۹-۱۵۱.
- مبلغ، محمدحسین (۱۳۷۷). الزام در تکالیف اخلاقی، پژوهش‌های قرآنی. ۴ (۱۳ و ۱۴)، ۸۴-۹۹.
- مجموعه مقالات (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق. (جمعی از مترجمان). قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.\*

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدزاده بنی طرفی، علی (۱۴۰۱). جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی. ۳ (۱۲)، ۱۱۹-۱۳۶.
- مصباح یزدی، مجتبی (۱۴۰۴). فلسفه اخلاق. قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.\*
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.\*
- نراقی، احمد (۱۳۹۸). معراج السعاده. قم، هجرت.
- نعمتی انارکی، داوود (۱۳۹۶). روان‌شناسی اعتماد به رسانه. رسانه و فرهنگ. ۷ (۱۳)، ۱۳۵-۱۶۹.
- هوارث، دیوید؛ سلطانی، علی اصغر (۱۳۷۷). نظریه گفتمان. علوم سیاسی. ۱ (۲)، ۱۵۶-۱۸۳.
- The Holy Quran.
- Abedini Nasab, Z., & Rahimi, C. (2011). Comparison of negative priming effect in subtypes of obsessive-compulsive disorder, other anxiety disorders and normal group. *Advances in Cognitive Science*, 13(52), 57-70.
- Babaian, M., & Karami Talandashti, F. (2023). Foundations of cognitive warfare from the perspective of the Holy Quran and the Supreme Leader. *Kowsar*, 23(74), 119-144.
- Collection of Articles. (2001). *Philosophy of ethics* (Multiple translators). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Collective of Authors. (2007). *Applied ethics*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Delavarpour Aghdam, M. (2024). Dimensions and methods of Israel's combined warfare lobbies against the Islamic Republic of Iran. *Iranian Political Research*, 11(41), 18-34.
- Emami, S. (2013). *The moral position of precaution with emphasis on Islamic teachings* (Master's thesis). Supervisor: A. Mirsepassi; Advisor: M. Hedayati. Retrieved from Elmnet: <https://elmnet.ir/doc/10593658-42342>
- Faramarz Gharamaleki, A. (2004). *Professional ethics*. Tehran: Majnoon Publications.
- Gahreman, M., & Keshavarz, H. (2023). Challenges of the Islamic Revolution discourse of Iran in facing the 1990s generation: A case study of economic entrepreneurship, intellectualism and political governance. *Political Theory Research*, 18(34), 299-327.
- Ghorbani, A., Hamzehpour, M., & Kia, A. A. (2023). Strategic identification and analysis of factors affecting the improvement of governance performance in cyberspace of the Islamic Republic of Iran. *Studies of Jurisprudence and Media Law*, 9(36), 1-43.
- Hajipour, H. (2020). *Ethical indicators of persuasion and religious propaganda*. Qom: Ansarian.

- Hajipour, H., Deldar Forutghe, H., Mirzaei, M., & Heydari, D. (2024). Strategies to counter enemy psychological operations in hybrid warfare from the perspective of Quran and Hadith based on Imam Khamenei's statements. *Islamic Defense and Security Research*, 1(2), 137-157.
- Hajipour, H., Nahavandi, A., & Kiani, M. (2023). Jurisprudential study of audience persuasion in mass media. Qom: Jurisprudential Center of the Imams of Purity.
- Hemayat-talab, R., Sheikh, M., Movahedi, A. R., & Asad, M. R. (2007). The effect of mental practice order on learning a perceptual-motor skill with emphasis on internal and external imagery. *Research in Sport Sciences*, (14), 139-152.
- Howarth, D., & Soltani, A. A. (1998). Theory of discourse. *Political Science*, 1(2), 156-183.
- Kalantari, H. (2017). Methods of identity warfare against the Islamic Republic of Iran and ways to counter it. *Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge*, 28(28), 85-108.
- Khamenei.ir. (n.d.). Statements of the Supreme Leader. Retrieved from <https://www.khamenei.ir>
- Khodabakhshi, L., & Khankhani, S. (2022). Strategic requirements for fulfilling the duty of Jihad al-Tabyin. *Political Strategy*, 6(23), 167-203.
- Khosravi, G. R. (2001). Political legitimacy. *Reflection of Thought*, (24), 48-50.
- Lakzaei, N., & Mahmoudi Qahsareh, M. A. (2017). Political legitimacy in the Hadiths of Al-Kafi. *Islamic Government*, 22(85), 129-151.
- Lasani, M. R. (2023). The nature of narrative warfare and how to effectively act as media propagandists. *Rahtooosheh*, (137), 267-276.
- Majlesi, M. B. (1982). *Bihar al-anwar al-jami'a li durar akhbar al-a'emma al-at-har* (Vols. 1-110). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. (Original work published 1403 AH)
- Makarem Shirazi, N. (1998). *Ethics in the Quran*. Qom: School of Imam Ali ibn Abi Talib.
- Mesbah Yazdi, M. (2025). *Philosophy of ethics*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Mobalegh, M. H. (1998). Obligation in moral duties. *Quranic Research*, 4(13-14), 84-99.
- Mohammadzadeh Banitarafi, A. (2022). Jihad al-Tabyin and the role of intermediate circles in the realization of the second phase statement of the Islamic Revolution. *Political Sociology of the Islamic Revolution*, 3(12), 119-136.
- Naraghi, A. (2019). *Mi'raj al-sa'adah*. Qom: Hijrat.
- Neamati Anaraki, D. (2017). Psychology of trust in media. *Media and Culture*, 7(13), 135-169.
- Pishahang, M. H. (2023). Media activism of Shiite seminaries in the battle of narratives in the last century. *Religion and Media*, 20(25), 66-87.

- Pishahang, M. H. (2024). Strategy of media activism in the battle of narratives: from what and how to the roadmap of seminars. *Studies of Jurisprudence and Media Law*, 6(11), 267–298.
- Poursaeed, F. (2021). A strong Iran and the requirements of political governance. *National Security Watch*, (111), 17–26.
- Sadeghi, H., Hajipour, H., & Kiani, M. M. (2015). Analysis of the “in-itself” theory of moral obligations. *Ethics Research Journal*, 8(28), 99–116.
- Sedaghat Samarhoseini, K. (2022). *Battle of narratives*. Tehran: Farhang-e Mashreq-e Zamin.
- Seyed Bagheri, S. K., & Nazari, M. (2023). Functions of ethics in Islamic political governance. *Code of Governance*, (1), 79–100.
- Shamsollahi, M. (2018). *Battle of narratives*. *Pasdar-e Islam*, (437-438), 28–29.
- Sheikh Sadouq, M. I. B. (1997). *Al-Amali*. Tehran: Be'that.
- Soltani, S. A. A. (2004). Discourse analysis as theory and method. *Political Science*, 7(28), 153–180.
- Tabasi, M. H. (2023). Islamic Republic and the battle of narratives: Media and Islamic governance. *Kheradvarzi*, (2), 65–69.